

# خوش گذرانی تلخ پسر دانشجو



بود و پدرم مر محدود کرده بود.

■ **دوستان از وضعیت مالی خانواده ات خبر داشتند؟**

می دانستند بچه جنوب تهران هستم و وضعیت مالی متوسطی دارم. باور کنید خودشان هم اصرار نداشتند که مثل آن ها پول خرج کنم اما خودم نمی خواستم زیر منت دوستانم باشم.

■ **به همین دلیل دزدی کردی؟**

بله، مدتی در پیک موتوری کار کردم اما چون وقت زیادی در پیک نمی گذاشتم پول خوبی به دست نمی آوردم و در ادامه مجبور شدم دزدی کنم.

■ **فکر نمی کردی دستگیر شوی؟**

نه، چون تازه کار بودم و روزی یک سرقت انجام می دادم فکر نمی کردم دستگیر شوم.

■ **چرا روزی یک سرقت انجام می دادی؟**

من دزد نبودم و تنها به اندازه نیازی که داشتم دزدی می کردم.

■ **به نظرت کار در ستی کردی؟**

نه، اگر می دانستم دستگیر می شوم و آبرویم می رود هیچ وقت این کار را نمی کردم.

■ **به عقب تر بر گردیم، چه راهکاری برای ادامه خوش گذرانی هایت داری؟**

از خوش گذرانی هایم کم می کردم و به جای این که هر هفته پیش دوستانم بروم ماهی یک بار می رفتم، هم به خودم خوش می گذشت هم خانواده ام پر فشار نمی رفتند.

■ **و حالا به زندان می روی؟**

بله، خیلی سخت است و باور نمی کنم.

■ **حرف آخر؟**

همیشه حرف پدر و مادر تان را گوش کنید، این که با افراد سطح بالاتر از خودتان دوستی می کنید خیلی خوب است چون به رشد کردن فکر می کنید اما باید مدیریت داشته باشید و نخواهید مثل من راه صد ساله را یک شبه طی کنید.

اش در دادگاه عمومی قضایی تهران بررسی شد و قضات با وجود اعلام رضایت خیلی از مال باخته ها که به آن ها رد مال صورت گرفته بود از جنبه عمومی جرم بهرام را مجرم شناختند و او را به ۱۸ ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند.

این حکم مورد اعتراض قرار گرفت و به دادگاه تجدید نظر استان تهران رفت که پس از مطالعه دقیق تایید و قطعی شد.

■ **گفت و گویا سارق دانشجو**

پسر جوان هنوز باور ندارد که باید به زندان برود، تنها نگرانی اش ناراحتی پدر است. او برای اجرای حکم احضار شده و چهره اش مملو از ترس و خجالت است:

■ **سابقه داری؟**

نه، تا حالا خلافی نکرده بودم.

■ **چرا دزدی؟**

به خاطر خوش گذرانی و همقدم شدن با دوستان پولدارم.

■ **دوستان پولدارت؟**

بله، همکلاسی هایم در دانشگاه وضعیت مالی خوبی داشتند و چون می خواستم رفاقتم با آن ها ادامه داشته باشد به پول نیاز داشتم.

■ **چرا نمی خواستی رفاقت قطع شود؟**

چون همکلاسی هایم بودند و چند سال است که باهم هستیم، نمی خواستم در کلاس نگاه شان به من تغییر کند.

■ **چقدر پول برای خوش گذرانی نیاز داشتی؟**

در هفته که زیاد خرجی نداشتم اما آخر هفته ها که با دوستانم دور همی می گرفتیم مجبور بودم هزینه کنم.

■ **مثلا چقدر هزینه آخر هفته ات بود؟**

شاید ۲۰۰ هزار تومان و بعضی اوقات بیشتر

■ **خانواده ات کمک نمی کردند؟**

پدرم کمکم می کرد اما هزینه من زیاد شده

بهرام داشت و پسر جوان که نمی خواست از دوستان دانشگاهی اش عقب بیفتد، تصمیم به اقدام عجیبی گرفت.

■ **کیف قاپی**

سال ۹۷ بود که ماموران پلیس تهران در جریان کیف قاپی های عجیبی در این شهر قرار گرفتند و تیمی از ماموران برای دستگیری عامل این سرقت ها وارد عمل شدند.

ماموران در گام نخست پی بردند که سارق سوار بر موتور و به صورت تک نفره دست به دزدی می زد و روزانه یک دزدی بیشتر انجام نمی دهد.

شگرد سرقت ها خاص بود؛ با بررسی دوربین های مدار بسته در محل های سرقت سرخی از تصویر دزد تک رو به دست نیامد و تنها مشخص شد که این سارق تازه کار است. ماموران احتمال می دادند که سارق جوان برای تامین هزینه اعتیادش روزانه دست به سرقت می زند.

■ **نخستین ردپا**

ردیابی ها ادامه داشت تا این که شماره پلاک موتور پسر جوان در اختیار ماموران قرار گرفت و ماموران به سراغ صاحب موتور رفتند که کارمند یک اداره بود.

تیم پلیسی در این مرحله پی بردند که صاحب موتور، آن را برای پسر دانشجویش خریده است و از ماجرای کیف قاپی ها اطلاعی ندارد و در ادامه ماموران پسر جوان را که بهرام نام داشت دستگیر کردند.

بهرام ابتدا خود را بی گناه می دانست اما وقتی تصویرش را در دوربین های مدار بسته دید ناچار لب به سخن باز کرد و به کیف قاپی هایش اعتراف کرد.

■ **حکم زندان**

پس از صدور قرار مجرمیت و در حالی که بهرام با سپردن وثیقه آزاد شده بود، پرونده

دانشجوی جوان وقتی دید برای خوش گذرانی با دوستان پولدارش در دانشگاه به پول نیاز دارد، دست به کار عجیبی زد.

این پسر حالا باید پشت میله های زندان حسرت آزادی را بخورد.

■ **دوستی در دسرساز**

بهرام ۲۳ ساله دانشجوی کامپیوتر که در جنوب تهران زندگی می کند، با چند جوان پولدار در دانشگاه همکلاسی شد و خیلی زود به خاطر مرام و معرفتی که داشت با همکلاسی هایش صمیمی شد و بعد از دانشگاه با آن ها به خوش گذرانی می پرداخت.

مدتی از دوستی بهرام با دوستانش گذشت و روز های نخست به بهانه های مختلف از پدر کارمندش برای خوش گذرانی با همکلاسی هایش پول می گرفت تا جایی که دیگر سکوت پدر شکست و در پرداخت پول به پسرش سرسخت شد.

پسر جوان سعی داشت با همکلاسی هایش همقدم باشد اما اختلاف طبقاتی باعث شده بود شرایط برای بهرام سخت شود و همین کافی بود تا به فکر چاره ای بیفتد.

■ **پیک موتوری**

بهرام که یک موتور سیکلت داشت، ابتدا به یک پیک موتوری رفت و شروع به کار کرد اما به خاطر حضور در کلاس های دانشگاه نمی توانست زمان زیادی را در پیک موتوری سپری کند و زمان های بعد از کلاس نیز با دوستان پولدارش به خوش گذرانی می پرداخت.

جالب بود که دوستان بهرام هیچ وقت از او توقع نداشتند مثل آن ها لباس بپوشد و خرج کند اما پسر جوان سعی داشت خودش را با آن ها همراه کند.

مدتی گذشت اما خوش گذرانی ها و تعطیلات آخر هفته هزینه زیادی برای

دکتر قربانعلی ابراهیمی جامعه شناس و استاد دانشگاه محیط های نامناسب در اجتماع که اغلب نوجوانان و جوانان برای تفریح و سرگرمی با دوستان خود و همسالان انتخاب می کنند، مکان هایی به شمار می رود که کانون جرم و بزه است. برخی نوجوانان که به لحاظ فرهنگی و خانوادگی جزو قشر های ضعیف جامعه هستند به دلیل کمبود هایی که در خانواده احساس می کنند به گروه همسالانی می پیوندند که بتوانند عقده گشایی کنند. این قبیل نوجوانان و جوانان مکان هایی را برای تفریح انتخاب می کنند که به لحاظ اجتماعی محیط های سالمی نیست. البته در بروز جرم در پاتوق هایی که دوستان دور یکدیگر جمع می شوند عوامل بی شماری تاثیر گذار است به عنوان مثال تفاوت های فرهنگی و اقتصادی موثرترین عامل در بروز جرم در پاتوق های دوستانه به شمار می رود. البته عواملی چون عوامل روانی مانند بدبینی و پر خاشگری سبب می شود در محیط های دوستانه که جوانان به نوعی به تفریح و سرگرمی می پردازند پر خاشگری و خشونت رقم بخورد و همین خشونت های ناشی از یک شوخی ساده و کودکانه منجر به اتفاقات ناگوار تر شود.

■ **عوامل اجتماعی نیز در بروز این پدیده ها تاثیر گذار است**

اغلب افرادی که از خانواده های نابه سامان هستند و در محیط خانواده ناسازگاری والدین را می بینند، در محیط های اجتماعی و پاتوق های دوستانه رفتار هایی از خود نشان می دهند که سبب نزاع و درگیری میان گروه همسالان و دوستان می شود. برخی از این افراد در ارتکاب اعمال مجرمانه سابقه دارند و با حضور در محیط های نامناسب اجتماعی رفتار های زشت و ناپسندی از خود بروز می دهند که سبب ایجاد درگیری می شود. از نگاه جامعه شناختی اغلب جامعه شناسان معتقدند بروز جرم در محیط های نامناسب اجتماعی در گروه دوستان یک پدیده طبیعی در همه جوامع است که عوامل اجتماعی، خانوادگی و روانی در آن تاثیر گذار است. برخی افراد با حضور در گروه دوستان رفتار های دیگران را تقلید می کنند و عادات های ناپسند آن ها را در گروه دوستان خود به نمایش می گذارند و همین تقلید و تاثیر پذیری از رفتار های ناپسند در پاتوق های دوستانه چاره ای را رقم می زند که با گروهی قاتل یا سارق رو به رو خواهیم شد. زیرا آن ها مستعد بزه هستند و در گروه های دوستانه نامناسب رفتار های بزهکارانه را بیشتر یاد گرفتند بنابراین سریع تر مرتکب جرم می شوند. این گروه از جوانان که در محیط های دوستانه به راحتی مرتکب جرم و بزه می شوند هنجار ها و قواعد زندگی اجتماعی را نادیده می گیرند و به قوانین و مقررات احترام نمی گذارند، آن ها مسئولیت اخلاقی و اجتماعی ندارند و از مجازات هم نمی ترسند. آن ها تصور می کنند در یک محیط اجتماعی و عمومی وقتی با دوستان خود برای تفریح جمع می شوند، آن محیط قلمرو و منطقه زور گویی آن هاست بنابراین با همپاشدن بستر بزه مرتکب جرم می شوند. این مجرمان قربانی مسائل خانوادگی، فرهنگی و تربیتی هستند و تعامل در جمع و گروه را یاد نگرفته اند و به محض ورود به محیط های اجتماعی عمومی فعالیت مجرمانه خود را نشان می دهند.

## کور شدن چشم پسر تهرانی در شوخی کودکانه



پسر جوانی که در یک شوخی کودکانه چشم دوستش را کور کرده است، باید مجازات شود. این پسر دیروز پای میز محاکمه ایستاد و ابراز پشیمانی کرد.

■ **کور شدن چشم**

رسیدگی به این پرونده از ۱۱ آبان سال ۹۷ به دنبال انتقال پسر ۲۰ ساله ای به نام هومن به بیمارستان آغاز شد. چشم چپ وی به شدت آسیب دیده بود و تحت عمل جراحی قرار گرفت اما پنبیانی اش را از دست داد.

دو روز بعد وی از دوستش آرمان شکایت کرد و گفت که او با چوب به چشم اش زده و موجب نابینایی شده است.

به این ترتیب آرمان بازداشت شد و در حالی که ابراز پشیمانی می کرد جرمش را گردن گرفت.

■ **در دادگاه**

آرمان دیروز در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه هومن در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: آن روز با دوستم از خانه بیرون رفتم تا کتاب کمک درسی بخرم. در پارک مرزداران آرمان را با چند نفر از دوستانش دیدم که دور آتش نشسته بودند. آن ها مشروب خورد و بودند و حال طبیعی نداشتند. آرمان از من خواست برایش سیگار بخرم. من برای او سیگار خریدم و به پارک برگشتم، اما او ناگهان شروع به فحاشی کرد.

وی ادامه داد: آرمان که مست بود و حالش را نمی فهمید به سمت من چوب پرتاب کرد. ما هیچ خصومتی باهم نداشتیم و قبلا هم آرمان

چند بار با من و دیگر دوستان مان شوخی کرده بود. من از ترس پشت بوته ها رفتم و پنهان شدم اما به محض این که سرم را بالا آوردم تا به او اعتراض کنم، چوبی را از فاصله ۵ متری به سمت من پرتاب کرد که به چشم چپم خورد.

هومن که خیلی ناراحت بود گفت: چشم چپم کور شده است و پزشکان گفته اند باید به زودی تخلیه شود و به جای آن پروتز بگذارم که هزینه اش بسیار سنگین است. جوانی ام تباه شده این ماجرا تاثیر بدی در روحیه ام گذاشته است. من روز اول در شوک این ماجرا بودم و به همین دلیل هم دوروز بعد اعلام شکایت کردم. اگر پزشکی قانونی اعلام کند امکان قصاص وارد چشم وجود ندارد ددی می خواهم.

سپس آرمان در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من و هومن از سال ها قبل باهم دوست بودیم. ما هیچ خصومتی باهم نداشتیم، او را دوست داشتم و به همین دلیل هم با او شوخی می کردم. آن روز هم هیچ دعوایی در کار نبود. من مست بودم و به شوخی به سمت او چوب پرتاب کردم که ناخواسته به چشم اش برخورد کرد.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: من خودم با او رژانس تماس گرفتم و با آمبولانس او را به بیمارستان رساندم. حالا هم واقعا از این ماجرا شرمنده هستم و تقاضای بخشش دارم. اگر هومن با دریافت دیه موافقت کند حاضرم دیه را به او بپردازم.

بنابر این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

## پشت پرده دروغ بزرگ دختر دانشجو در تهران

دروغ بزرگ یک دختر پولدار در دانشگاه شهید بهشتی تهران پشت پرده عجیبی داشت. این دختر سر کلاس های دندان پزشکی می رفت تا این که نزد دوستانش ادعا کرد بدون کنکور و تنها با پرداخت پول میلپاری دانشجوی شده است. پس از آن، وی که بدون شرکت در کنکور و حتی ثبت نام در دانشگاه اقدام به حضور در کلاس های رشته دندان پزشکی کرده بود بازداشت شد. از چندی پیش، با پیگیری حراست دانشگاه شهید بهشتی پرونده ای برای رسیدگی در اختیار کلانتری و لنجک قرار گرفت که در آن دختری جوان بدون طی هر گونه مراحل ثبت نام و حتی شرکت در کنکور در کلاس های تئوری و عملی رشته دندان پزشکی این دانشگاه حضور یافته بود. رسیدگی به این موضوع در دستور کار ماموران کلانتری قرار گرفت و در تحقیقات آنان مشخص شد که دختری ۲۳ ساله به نام سیمین از کمتر از یک سال قبل در کلاس های درس رشته دندان پزشکی در دانشگاه شهید بهشتی حاضر شده است و به دیگر دانشجویان گفته که با پرداخت چندین میلیون بدون شرکت در کنکور در این دانشگاه ثبت نام کرده است. همین موضوع سبب نارضایتی دیگر دانشجویان شد و اعتراض خود را به حراست دانشگاه اعلام کردند. ماموران کلانتری و لنجک روز یکشنبه این دختر جوان را دستگیر کردند و سیمین در بازجویی ها اقرار کرد که هیچ گونه ثبت نامی در دانشگاه نداشته است و با سوء استفاده از بی توجهی ماموران حراست در ورودی دانشگاه وارد آن جا شده است و با توجه به علاقه ای که به رشته دندان پزشکی داشته، در کلاس های آن شرکت کرده است. تجسس های پلیسی نشان داد خانواده این دختر جوان در خارج از کشور زندگی می کنند و خودش نیز در طول سال چندین بار به اروپا و دیگر کشورها سفر داشته است و از آن جایی که وضعیت مالی خوبی



دارد، وقتی دیگر دانشجویان از وی درباره حضور و نحوه قبولی اش در دانشگاه پرسیده اند، مدعی شده است که با پرداخت چندین میلیون تومان پول به دانشگاه امتیاز تحصیلی در این رشته را خریده است که در تحقیقات ماموران مشخص شد این ادعا به هیچ عنوان صحت ندارد و چنین امکانی وجود ندارد. تحقیقات پلیسی نشان داد هیچ گونه جعلی در این زمینه رخ نداده و سیمین تنها با سوء استفاده از غفلت عوامل حراست در ورودی دانشگاه در کنترل کارت دانشجویی وارد دانشگاه شده است.

## ریاست دختر ۲۰ ساله در شبکه دزدان خشن

توجه به مشکلات مالی که هر دو داشتیم سارا پیشنهاد داد با استفاده از تهدید و زور دست به سرقت بزنیم به همین دلیل به یکی از دوستانم به نام عابد ۲۲ ساله که در محله ما مغازه خیاطی داشت، پیشنهاد دادم تا در انجام سرقت ها با ما همکاری کند. وی افزود: شگر دو شیوه کار ما به این صورت بود که با پرسه در خیابان های خلوت سوژه خود را از بین افرادی که از لحاظ فیزیکی توانایی مهار آن ها را داشتیم، انتخاب می کردیم و سارا به بهانه تماس ضروری با گوشی قربانی به وی نزدیک و پس از دریافت گوشی به سرعت از محل متواری می شد و زمانی که مال باخته قصد تعقیب وی را داشت، من و عابد با چاقو و قفل عصایی به وی حمله ور می شدیم و قربانی را مورد ضرب و شتم قرار می دادیم و با اطمینان از دور شدن سارا از محل حادثه ما نیز با خودروی پراید از محل می گریختیم و پول حاصل از فروش گوشی های سرقتی را بین خودمان تقسیم می کردیم. برنامهریزی انجام سرقت ها توسط سارا به عنوان سر کرده باند صورت می گرفت. به دنبال اعتراضات پرویز سایر اعضای باند در دو عملیات جداگانه در مخفیگاه های خود واقع در خیابان جمهوری و محله بیسیم شناسایی و دستگیر شدند. سارا و هم دستانش چاره ای جز از گشایی نداشتند و به سه سرقت مشابه دیگر نیز اعتراف کردند.

دختر ۲۰ ساله تهرانی ریاست باند مخوف زور گیران خیابانی را بر عهده داشت. در اسفند سال ۹۷ مردی به کلانتری ۱۲۷ نارمک مراجعه کرد و پرده از فعالیت یک باند خشن برداشت. این مرد با طرح شکایتی مبنی بر زورگیری تلفن همراه ساسمونتگ اش به ارزش ۴ میلیون ریال به پلیس گفت: در حال عبور از خیابان گلستان بودم که دختر جوانی به من نزدیک شد و خواهش کرد که تلفن همراهم را برای تماس به او بدهم. وی افزود: این دختر به محض گرفتن گوشی، پا به فرار گذاشت، هنگامی که او را تعقیب کردم دو پسر ۲۰ ساله با استفاده از چاقو و قفل عصایی من را تکت زدند و پس از فرار آن دختر هر دو مرد جوان با یک پراید سفید از محل گریختند. پرونده این زورگیری ها با دستور باز پرس در اختیار ماموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان با شروع تحقیقات میدانی تخصصی به سرخی از خودروی پراید زورگیران دست یافتند و در نخستین اقدام پسر دانشجویی به نام پرویز ۲۱ ساله بازداشت شد. پرویز که پشت فرمان خودرویش محاصره شده بود، اصرار به بی گناهی کرد اما در مواجهه حضوری نتوانست رازش را کتمان کند و به ضمیمه در باند یک دختر به نام سارا اقرار کرد. پرویز گفت: با سارا که ۲۰ ساله است در خیابان آشنا شدم. با



گفت فهیم جان سپرده است که از شنیدن این ماجرا شوکه شدم. من می خواستم به فرانسه برگردم که پلیس به سراغم آمد و بازداشت شدم.

وی ادامه داد: من در ۱۱ سالگی پدرم و در ۱۶ سالگی مادرم را از دست دادم. سابقه بیماری روانی دارم و حال و اوضاع روانی خوبی ندارم. به همین دلیل خانواده فهیم حاضر شدند با دریافت دیه از قصاص گذشت کنند. من همیشه شرمنده آن ها هستم و بخشش آن ها را فراموش نمی کنم.

بنابه این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

## جنایت خونین مسافر فرانسه در تهران

ها با گرفتن ویزای سه ماهه به ایران آمد. من در مهمانی که دوستانم برگزار کرده بودند شرکت کردم و آن جا مشروب خوردم. اما یک باره حالم بد شد و خون بالا می آوردم که دوستانم تصمیم گرفتند مرا به خانه دوست صمیمی ام فهیم ببرند.

وی ادامه داد: من سوار ماشین فهیم شدم اما در بین راه دوستانم تصمیم شان را تغییر دادند و خواستند مرا به خانه پسر خاله یکی از دوستانم ببرند که مخالفت کردم و از ماشین فهیم پیاده شدم.

عزیز گفت: من کاپشنم را از تنم در آوردم و سیگار و چاقویی را که در جیب کاپشنم داشتم در دست گرفتم. قصد داشتم پیاده قدم بزنم اما فهیم و دوستانم پیاده شدند تا مرا بار دیگر سوار ماشین کنند.

آن ها می گفتند نمی خواهند با این حال تنهایی در خیابان راه بروم. سپس با من درگیر شدند و در آن کشمکش نمی دانم چاقو چطور به گردن فهیم برخورد کرد.

وی ادامه داد: فهیم دوست صمیمی ام بود، او و خانواده اش می دانند من واقعا قصد کشتن او را نداشتم. مرگ فهیم یک اتفاق تلخ بود.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: بعد از درگیری با فهیم به خانه عمویم رفتم و صبح روز بعد عمویم

مسافر فرانسه که در ایران دست به قتل زده بود، از قصاص رهایی یافت. این مرد با جلب رضایت اولیای دم دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

■ **مسافر فرانسه**

عزیز ۲۵ ساله که در فرانسه زندگی می کرد، هنگام سفر به ایران در بیست و ششم بهمن سال ۹۷ طی درگیری با یکی از دوستانش به نام فهیم، وی را با یک ضربه چاقو کشت و روز بعد بازداشت شد. وی همانا ادعا کرد ناخواسته دست به این جنایت زده است.

■ **رهایی از قصاص**

در حالی که قرار بود او در دادگاه محاکمه شود توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند.

■ **در دادگاه**

عزیز دیروز در شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفر خواست را خواند و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی برای عزیز درخواست مجازات کرد.

سپس عزیز رو به روی قضات ایستاد و گفت: من از بچگی همراه خانواده ام به فرانسه رفتم و در آن جایز گ شدم. اما چون بیشتر اقوام و دوستانم در ایران بودند برای دیدن آن